

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شبه‌هنگ راد

۱۶ جنوری ۲۰۱۶

واقعۀ کلن،

نگاه و تقاضای «مینا احدی» از دولت های اروپایی

دو نگاه و استنباط سیاسی، پیرامون رخدادها و رویدادهایی همچون جنگ، اعتیاد، دزدی، فحشاء و غیره وجود دارد. یک نگاه متعلق به حاکمان و قدرت مداران کنونی ست، نگاهی دیگر، به مدافعان آرمان مردمی و کمونیستی مربوط می شود. بی تردید این دو نگاه، کاملاً در تقابل هم اند، و یکی به همراه دم و دستگاه های جمعی و دیگر زوانش، در پی جابه جایی درستی ها، و دیگری حقیقت جو، ریشه یاب و مستقل از ایدئولوژی و افکار سرمایه داری ست. بر اساس چنین نگرش و به دلیل وجود دو نگاه متضاد درون جامعه است، که می توان و می باید، رویدادهایی همچون کلن را مورد بررسی و بازنگری قرار داد؛ رویدادی که به نوبه خود، بجا و بدست، حامل عکس العمل ها و موضع گیری ها از جانب جریانهای متفاوت سیاسی و آزادی خواهان گردیده است.

قبل از هر چیز، لازم به تذکر است که واقعۀ کلن، تنفر برانگیز و رد شده است و بدون کمترین تردیدی، سر آن به افکار کثیف و منفعت جو وصل می باشد و ربطی، به قربانیان نظام های امپریالیستی و رانده شدگان از جنگ های خانمانسوز ندارد، خلاف جانیانی همچون «مرکل»، علل آن را باید در افکار پوسیده و علیل شان جست و جو نمود. به همین دلیل صحیح نیست تا در هم سوئی با حاکمان و قدرت مداران، جای بانیان چنین واقعۀ ای را، با قربانیان نظام های امپریالیستی، جابه جا نمود. طبعاً قصد و مقصود فعلی، نگاه به افکار و بررسی اعمال سرمایه داران و دولت هائی همچون دولت «مرکل» نیست. چرا که تاکنون این دولت ها و حامیان شان - و آنها در عمل - به اثبات رسانده اند که تحت هیچ شرایطی، جانب مردم و پناهندگان نبوده - و نیستند - و همواره و همواره، در تلاش اند، تا از نیرو و از انرژی هزاران انسان دردمند، در جهت اثبات هر چه بیشتر سرمایه و همچنین در پس زدن جناح های رقیب استفاده و سوءاستفاده نمایند. این ها از زمره خاصیت حاکمان و دولت هائی همچون دولت «مرکل» است. با این اوصاف هدف نه برشماری مجدد بیلان کارکردهای ضد انسانی قدرت مداران بزرگ جهانی در حق میلیون ها انسان صدمه و زجر دیده، بل نگاهی کوتاه به موضعگیری ها و تقاضای «مینا احدی» از دولت هائی اروپایی همچون دولت المان، از واقعۀ کلن می باشد.

«مینا احدی» از اعضای مرکزی "حزب کمونیست کارگری ایران"، در نوشته ای کوتاه تحت عنوان «در مورد فاجعۀ شب سال نو در کلن»، می گوید که با شنیدن خبر و رخداد کلن، به میدان می آید، تا در میان سکوتِ با "خبران"، و

همچنین به منظور جلوگیری از "ایجاد فضای وحشت برای زنان"، توجه جامعه انسانی را، نسبت به بی حرمتی های روا شده در حق زنان جلب نماید و همچنین و سر آخر، از جانپان و مسببین اصلی چنین واقعه ای تقاضا دارد که "در امتیاز دادن به جنبش و سازمانهای اسلامی در قلب اروپا" خودداری نمایند!!

در این نوشته می خوانیم: "باید روشن شود که هر مسلمانی در خیابان لباس زیر زنان را از تنش بیرون نمی آورد. باید بروید و بگوئید این جنایات را دیده ایم..... " ... در رسانه ها گفتیم که این ربط مستقیم به اسلام و جایگاه زنان در اسلام دارد و گفتیم که دولت المان باید به امتیاز دادن به جنبش و سازمانهای اسلامی در قلب اروپا پایان دهد!"

حقیقتاً و فارغ از هر گونه پیشداوری ها، نگاه و نظرات غیر کمونیستی «مینا احدی» و به دنبال، قضاوت عجولانه اش را چگونه می توان راست و ریز نمود و آنان را به پای نظرات و افکار ژورنالیست های سرمایه نوشت؟ پیداست که از یک طرف، مسلمانی مدنظر «مینا احدی»، فاقد چنین پرستی هاست و نمی توان، چنین وصله هائی را به آن چسباند و از طرف دیگر، انجام این دست رخدادها را - یعنی دریدن لباس زیر زنان در شب کلن -، مستقیماً به اسلام و جایگاه زنان در اسلام وصل می کند!!.

به هر حال و جدا از این که سر سازمان دهندگان اصلی کلن، به جایی به مراتب بزرگ تر از سر "مسلمان" و "جنبش و سازمانهای اسلامی" وصل بوده است؛ سؤال این است که مگر دنیای انسانیت، تاکنون، شاهد دریدن و سنگسار زنان از جانب "مسلمان" و "مسلمین" نبوده است - و نخواهد بود -؟ مگر «مینا احدی» نشنیده و یا نخوانده است که چگونه "ناموس پرستان مسلمان"، لباس زنان و دختران شان را دریده و بدن های شان را لت و پار و جان شان را گرفته اند؟ همچنین و مگر، به دلیل جایگاه زنان در اسلام است که علناً، بدن زن مورد سوءاستفاده و در ابعاد و اشکالی وسیع و گسترده تر، مورد تعرض سوجدویان و قداره بندان قرار می گیرد؟ مگر اخبار تعدی و تجاوز به زنان و دختران و غیره در جوامع "متمدن" اروپائی و آنهم در قلب اروپا، به گوش «مینا احدی»، نرسیده است که این چنین دو آتشه، پرچم مبارزه و دفاع از حقوق زنان را در دست گرفته است و از دولت های اروپائی تقاضا می کند تا به منظور جلوگیری و تکرار واقعه ای همچون کلن، تدابیر و سیاست های سخت گیرانه تری علیه "جنبش و سازمانهای اسلامی" اتخاذ نمایند؟! مضافاً این که مگر - فقط و فقط - به دلیل کج فهمی مسلمان از "جایگان زنان در اسلام" است که ما شاهد رخدادهایی از جمله واقعه شب سال نو کلن می باشیم؟ و ...

طبعاً پاسخ این دست سؤالات و همچنین رفع و رجوع نمودن چنین تناقضات آشکار و در هم ریخته ای را، به عهده «مینا احدی» و "حزب کمونیست کارگری ایران" خواهیم گذاشت و باید، و به سهم خود، روشن سازند که بروز و وقوع هزاران بلیه و مصیبت دست ساز اجتماعی و آنهم در کشورهای اروپائی، ریشه در حاکمیت و مناسبات استثمارگرایی طبقة سرمایه داری دارد، که ما این روزها تجلی آنها را در اشکال متفاوت حکومتی سرتاسر دنیا مشاهده می کنیم. واقعیت این است که تجاوز به زنان، توهین و یورش به ابتدائی ترین نیازهای اولیه زندگی شان، صرفاً و صرفاً به اسلام و به جایگاه زنان در جامعه اسلامی بر نمی گردد، بل این منفعت و مناسبات گنبدیده طبقة حاکمه است که خالق رویدادهائی همچون کلن می باشد. صدها - و یقیناً هزاران - مورد از نوع واقعه کلن را، می توان ردیف نمود و نشان داد، که سرمایه به منظور مقاصد معین سیاسی - اقتصادی، و به منظور مرعوب نمودن انسان های ناآگاه، از شگردهای متفاوت سود می جوید و، زنان را به کُنج خانه ها و از روابط و مناسبات اجتماعی دور و همچنین مورد سوءاستفاده های جنسی - سیاسی و اقتصادی قرار می دهد؛ می توان نشان داد که چگونه به یمن ارتباطات جمعی، افکار عمومی را علیه هم نوعان شان می شوراند و فضای جامعه متفاوت را، آغشته به خون و خونریزی و تنفر می کند.

سرمایه آمار و ارقام دُرُوغ کنار هم ردیف می کند، نقشه های حساب و مهندسی شده به مرحله عمل در می آورد و اخبار غیر واقعی و دست چین شده را به خُورد جهان می دهد، تا جای ظالم، مظلوم و قربانی جابه جا شود. بر همین اساس استناد و باور به اطلاعات و آمار و ارقام ارائه داده شده، کمک اساسی - و بنیادی - در کسب و فهم حقایق در پس پرده نمی کند. به بیانی دیگر نیازی نیست به منظور تشریح، تفسیر و انعکاس حقایق، عجله به خرج داد و مهمتر از همه اینها، با نگاه خوش بینانه و با اتکاء به تبلیغات سراسر تحریف شده و اخبار منتشره از جانب رسانه های امپریالیستی به حقیقت دست یافت. به تجربه دریافته شده است که دولت مداران کنونی و از جمله دولت «مرکل»، سخنگو و مروج حقایق نیستند و بارها و بارها، ثابت نموده اند که در طرح ریزی تحرکات ضد انسانی و در پخش خبری همچون کلن، جهت دار و هدفمند حرکت می کنند و از مقاصد سیاسی - اقتصادی معینی پیروی می نمایند. به قول «مینا احدی» دریدن لباس زیر زنان، کار هر مسلمانی نیست، ولی - به باور من وقوع و مشاهده عینی آن -، ریشه در افکار و ایدئولوژی دارد که دولت مردان بزرگ جهانی به همراه دولت های خشن و وابسته شان، این روزها، در جهان و به ویژه در منطقه خاورمیانه به میلیون ها توده در بند تحمیل نموده اند.

این کار، و افکار سرمایه داری ست و بنابه منفعتش، روزی بر سر زنان، به زور چادر می اندازد و روزی دیگر، حجاب را از سر آنان بر می دارد؛ روزی به اصطلاح نظام مدافع زن، حق رأی را بر زنان محترم می شمارد و ادعای برابری شغل و درآمد یکسان را دارد، و روزی دیگر و در همانحال، به تحقیر، به توهین و به سوءاستفاده از بدن های آنان می پردازد. این ها از زمره اشکال متفاوت بهره برداری انسان - چه زن و چه مرد - و آنهم از زمان پیدایش جامعه طبقاتی ست. در هر صورت نمی توان و صحیح نیست تا به مانند «مینا احدی» ریشه و اهداف واقعه کلن را خارج از سیاست ها و منفعت نظام های امپریالیستی جست و جو نمود و دلیل آن را در قلم فرسائی، در یک تازی ها و یا در "امتیاز دادن دولت المان به جنبشها و سازمانهای اسلامی در قلب اروپا" نسبت داد. همچنین، خلاف افکار انحرافی «مینا احدی» می توان با صراحت تمام اعلام نمود که علل این نوع مصائب و تعرضات به انسانیت و حقوق پایه ئی زنان و مردم، به ماهیت دولت های امپریالیستی همچون دولت المان بر می گردد و به طور یقین، تقاضا و درخواست از حاکمانی همچون «مرکل» برای نابودی زائده های شان، انحرافی، گمرا کننده و در حقیقت توهم نسبت به دولت های امپریالیستی و آنهم به عنوان بانیان و راه اندازان رخدادهایی همچون کلن و تنش های قومی - مذهبی ست.

خلاصه، واقعه کلن را نمی توان و نمی باید خارج از بستر و چهارچوبه های فوق و مهمتر از همه اینها، خارج از سیاست های تازه دولت المان در برابر معضل پناهندگی در جامعه المان و اروپا توضیح داد. عیان شده است که "ناجی" پناهندگان دیروزی، - «مرکل» - این روزها، به قهرمان ضد پناهندگی تبدیل شده است و چهار نعل - و در اثر تضادها و فشارهای درونی -، به دنبال تغییرات و اتخاذ سیاست های سخت گیرانه تر، پیرامون قوانین پناهندگی ست. به همین منظور ریاکارانه به دنبال اجرای طرح های متفاوت و متعاقباً، ایجاد و رواج بیشتر بدبینی ها میان مردم خودی، نسبت به قربانیان نظام های ظالم و جنگ های امپریالیستی ست. مگر می توان باوری به غیر از این داشت، که این دولت ها و از جمله دولت المان، مولد و بانی چنین وقایع و رویدادهای دردناک در درون جامعه خودی و به ویژه در منطقه خاورمیانه اند.

با این اوصاف خلاف «مینا احدی»، تلاش برای برگرداندن سیاست دولت المان به سیاست "ضد اسلامی" و امثالهم، به نابجا و چیزی جز، گمراهی افکار عمومی و به حاشیه راندن موضوع اصلی نیست. لبه تیز نگاه و حمله، باید به سمت سازماندگان اصلی اوضاع دهشت بار کنونی و دولت های امپریالیستی همچون دولت المان دوخته شود و از دولت های جانی و مسبب هزاران مصیبت و مشکل جامعه، عاجزانه تقاضای رفع آنها را ننمود؛ تحرک ضد انسانی و حساب شده

ای که «هیکو ماس» وزیر دادگستری المان در مصاحبه با روزنامه بیلد اعلام نموده است: "اسناد و مدارک نشان می دهد که این ناآرامی از پیش برنامه ریزی شده بود" و ربطی به پناهندگان نداشته، در ادامه هم، انگشت اتهام را به سمت "گروه های تندروئی که از خارج المان برای ناآرامی ها برنامه ریزی کرده و طرحی برای آزار ده ها زن وضع کردند" نشانه می گیرد.

۱۵ جنوری ۲۰۱۶

۲۵ دی [جدی] ۱۳۹۴